

## انسانم آرزوست آنچه ایران نیاز دارد انسان است

با حمله اعراب قسد برافراشته ایران از تمدن های کهن بابل، آشور و هخامنشی بر چیده شد. سبطره اعراب تمدن مصر را زیر مهمیز کشید و اعراب تشنه زن و مال تمدن شمال آفریقا را به متروکه ای تبدیل نمود. شخصیت شرق در جنگ ایران و یونان که نخستین مقابله تمدن شرق و غرب بود تحکیم شد. این شکست یونان موجب تحریک رستاخیز فرهنگی در یونان شد، که روم جانشین آن گردید و سپس اروپا از آن سر بر آورد.

مهر پرستی، آئین زرتشت، مانی و مزدک چهار جنبش عمیق بشری بودند که همه از ایران سر باز کردند و تأثیر ژرفی به فرهنگ و تفکر جهان باقی گذاشتند. رستاخیز قوم یهود که به کمک کورش تحقق یافته بود بنیان تمدن غرب را به نشأت از تمدن ایران استوار میسازد.

بیشترین سهم تکوین تمدن اسلامی مدیون ایران است. پانصد سال حکومت عباسیان از تصدق تمدن ایران بر سر پا باقی ماند. ترک های مغول را ایرانیان تا به اروپا سوق دادند. انقراض عباسیان را نیز ایرانیان آنچنان که حفظ کرده بودند باعث شدند.

کمونیسیم که ریشه های آنرا در مزدک میتوان یافت در مرز های شمال ایران متوقف شد. استعمار انگلیس با وجود خطر کمونیسیم در شمال مرز های ایران مدت ها در جا زد. ولی معهدا با نفوذ در ریشه مذهب به اغلب سرزمین های خاور میانه دست انداخت.

ایران بعد از ژاپن اولین کشوری است که حکومت مشروطه سلطنتی را پذیرفت، گرچه نیم بند باقی ماند ولی با آغاز نهضت مصدق نخستین گام ها برای تشویق و تاکید روی احساسات ملی به کینه استعمار انگلیس دامن زد. انگلیس که از ملی گرایی که از زمان رضا شاه آغاز شده بود دل چرکین بود مترصد بود تا زخم خود را به ساحت ایران بزند به همین دلیل محمد مصدق بهترین کسی بود که می توانست تناثر نهضت ملی شدن نفت را بازی کند. با ملی شدن صنایع نفت ضرر های بی شماری به ایران خورد که یکی از آنها از دست رفتن ۴۸ شرکت تابعه نفت بود که ایران حد اقل ۲۰ درصد سهم در آنها داشت. نهضت اضمحلالی خمینی در بیست و دو بهمن سال هزار و سیصد و پنجاه و هفت (۱۹۷۹)، ضمن اینکه دنیا را به شگفتی آورد آرزوی دیرینه انگلیس را به ثمر رساند.

آنچه مسلم مانده و در تاریخ ثبت میماند ایران است که هرگز از صحنه تاریخ حوادث جهان محو نگردیده و نخواهد شد. چه بازنده، چه برنده، در هر صورت با حرکت مار پیچی همچنان بر تارک کشور های خاور میانه درخشنده باقی خواهد ماند.

تحلیل های شاعرانه، تاریخ ۳۰۰۰ سال و یا ۶۰۰۰ سال، علم جدید، هفت آسمان و علم کائنات راه حل ایران نیست. ایران به انسان برومند و صادق و وطن پرست نیاز دارد. هر گونه ادراکی از کیهان و علم هستی فرع بر اندیشه "ایران" قرار میگیرد. انسانی که همه خلقت را در خود خلاصه کرده در ضمن به نا چیز بودنش وقوف کامل دارد.

نهاد انسان از خوبی و بدی، هر دو مایه میگیرد. ناصر خسرو قبادیانی در قصیده ای میگوید:

خدایا راست گویم فتنه از توست ولی از ترس نتوانم جفیدن

.....

اگر نیکم و گر بد خلقت از توست خلیقی خوب بایست آفریدن  
بما تقصیر خدمت نیست لازم بدیم و بد نبایست آوریدن

حد اکثر تلاش ما بر آن است که بدی نهاد بشر را کمتر گزنده کنیم. انسان موجودی مملو از "مهر و کین" و "خواست و ناخواست" آفریده شده. مهر و کین هر دو ریشه گناه هستند، آنچه در دست ماست خواست و ناخواست است که ما را به آرمان هایمان نزدیک میکند.

برگ ۱ از ۳ برگ

از جور فلک نشانه ها دارم من  
از بخت نکو ستاره ها دارم من

از دست زمانه ناله ها دارم من  
تسلیم قضا نمیشود همچو منی

بد کردن های بشر از روی نادانی است. بنابراین بهترین حرکت ما **آموختن** است. آموختنی که ریشه در شبکه ارتباط جهانی داشته باشد. آموختنی که راه جلو رفتن آن سد نشده باشد. آموختنی که خیر عموم را در بر گیرد.

انسان با موعظه و نصیحت اصلاح پذیر نیست، اگر بود همان چند پیامبر اول برای او بس میبود. قانون بُرا و قاطع و مجریان صادق و آشنا به حقوق انسان ها لازم است.

انسان دو وظیفه در برابر جا معه دارد: یکی بکار گیری درست نیروی تولید و دیگری اجرای دقیق قانون، بدانگونه که دست آورد های کشور به حدر نرود و به عادلانه ترین نحو تقسیم گردد.

زبان بازی، عوامفریبی، دلالی، دزدی به سبک حاجی بازاری، تبلیغ به سبک مذهبی، فقر، فقدان آموزش، اخلاق فرهنگی، فقدان نظم، فقدان برنامه، نابسامانی، حسد، زبونی، تقسیم شغل بین بی استعدادان آفازاده و یا شازده های هزار فامیل، تجاوز به حقوق مردم، فساد اجتماعی، عدم توازن، کسب ثروت از راه نا مشروع، قانون شکنی برای دزدیدن عواید عامه، بیماری بیزاری از همنوع، جلوگیری از جویان بزین بهادر، سپردن کار ها به نخاله های جامعه، عقب راندن نجیب های با سواد، باج گرفتن و رشوه دادن **بطور قطع باید** در جامعه ریشه کن گردند.

آموزش در اجتماع وقتی به نتیجه مطلوب میرسد که زبان های جامعه شناخته شوند و علیه آن اقدام نگردد. کل جامعه، در سایه آموزش صحیح بر اساس ادب و معیار روابط اجتماعی شکوفا میشود. راه و چاه را به جوانان و کل جامعه، نه تنها به اجتماع آفازاده ها و هزار فامیل، بیاموزیم و حق انتخاب را به روان مسئولیت پذیر آنان واگذاریم.

انسان از هر عملی که انجام میدهد مشتاق است که نیاز های مالی خویش را تامین نماید. اجر مادی میبایست گذران معاش را به آن سان میسر سازد که پاداش معنوی را هم همراه داشته باشد. کمبود پاداش معنوی یا کمبود پاداش مالی هردو منجر به فساد میگردد.

فساد مالی منجر به فساد اجتماعی میشود و افراد مصلحت خویش را به مصلحت جامعه و در نهایت کشور ارجح میدارند.

قانون برای کشور همان اندازه ضروری است که هوا برای زیستن! قانون صحیح آبروی کشور است! در جامعه ای که قانون حکم نمیراند سه گروه حاکم هستند:

- ۱- نخاله ها و همه فن حریف ها: که همیشه از آب گل آلود ماهی میگیرند و نخود هر آش میشوند. هیچ چیز مانع رای این گروه نیست، نه اخلاق، نه آئین، نه اعتقاد مذهبی. اگر قانون محکمی باشد ماست های این گروه کیسه میشود.
- ۲- متظاهرين به حامیان حکومت: به این منظور که کسی آنان را باز خواست نکند تا بتوانند به تجاوز دست بزنند.
- ۳- مخالفین سیاسی: تا از راه هرج و مرج مردم را از حکومت بیزار کنند.

اگر قانون شامل کلیه طبقات، هیات حاکمه و مردم عادی نباشد، دزدان حاجی بازاری، عزیز کرده ها و آقا زاده ها پرورش میابند.

گرچه عباسیان بعد از اسلام راه و روش ساسانیان و هخامنشیان را پیشه کرده بودند ولی خالی از محاسن آن دوره بود. اگر چنین نبود رویگری بنام یعقوب لیث نمیتوانست به حکومت ایران تکیه کند. عباسیان فاقد نظام طبقاتی بودند، نا امنی و بی فردانی و فقر نمیگذاشت آب خوش از گلوئی مردم پائین برود.

ایرانیان در دوران های گونه گون تاریخ اعتماد بنفس خویش را دوباره بدست آوردند. جوانان و مردم امروز به آن حد رسیده اند. هرگاه که وزیر، ادیب، دبیر و مشاورین ضمن آثار خود خواستار نظم و امنیت جامعه شدند مقام آن فرا رسیده که مردم بپا خیزند.

در جایی که سعدی بسته بودن سنگ و رها بودن سگ را به رشته کلام کشیده حافظ دورنگی، دکانداری متشرعانه، و سوء استفاده از زهد و دین را به نظم کشیده و بنیان گذار مکتب فکری جدیدی میشود، عبید زاکانی پنج، پنج گرفتن گریه عابد و مسلمان را پس از توبه با زبان طنز به کنایه و تمثیل زنده میکند نشان از بی ریشگی و تزویر ملایان و تعصب های عامیانه آنان را بخوبی نشان میدهد.

از نظر متفکران آزاده زیان عامیان و عالمان دین و مذهب بیشتر از جباران تازیانه بدست بوده است. آنان که دین را از تو خالی نمودند همه امور را بر گِردِ ظواهر، نخاله بازی، آتش زهد و ریا استوار خواهند ساخت و در خلوت آن کار دیگر میکنند!

تعصب های عامیانه و فروکشیدن مستبدین و جایگزین کردن یک مستبد با مستبد دیگر و فرقه گرایی و عوامفریبی و باختن جان و سوزاندن مال و نابود کردن آبادانی ها آرزو نیست خود را باید اصلاح کنیم.

ایران کشوری است که هر چند یکبار دم فرو بسته و از نوا افتاده و مجدداً به جوش و خروش آمده و نوای آزادی را سر داده است. سایه ایران همیشه طپنده بوده و ملتش صبر بسیار کرده و تاب بسیار آورده. ولی امروز مسائل ایران به درجه ای از پیچیدگی رسیده که برای حل آن نمیشود صبر کرد. نه تب و تاب بکار میآید، نه دم فرو بستن جایز است. تنها خردمندی و ایثار میتواند راه گشا باشد.

ایران به چه نیاز دارد؟ به پول فراوان؟ به ارز؟ به آب فراوان؟ به ذخائر معدنی؟ به نیروی نظامی؟ به تکنولوژی پیشرفته؟ به حمایت بین المللی؟ به آتم به نیروی انسانی کار آور؟ به اتحاد اقشار ملت؟ به کار سخت و شبانه روزی؟ به قانون اساسی بر اساس حقوق بشر؟ با آشنا سازی مردمش با حقوق حقه شان؟

هیچکدام از اینها به تنهایی و یا در مجموع مشکل ایران را حل نمیکند. ایران تنها به "انسان" احتیاج دارد. همین و بس! انسان صادق نه آدم های دزد و غارتگر!

خواندن دعای کمیل، ساختن مسجد های گران با مناره هانی از طلا، مسابقه ریش، انتظار کشیدن موهومات، سجده کردن، و آرزوی دیدن نا ممکن ها دور از واقع نگری هستند و جز هموار کردن راه سوء استفاده چی های زهد و دین نتیجه ای نخواهد داشت.

سخن کوتاه آنکه تمام کتاب های اخلاق، اجتماعی و فلسفه در چهار رکن خلاصه میگردند:  
نظم نظافت، حق و اخلاق انسانی.

اگر از دیو و دد ملولیم و انسانمان آرزوست؛ نظم، جلب اعتماد، اساس دموکراسی به معنی واقعی و آزادی بیان را با جان و دل بخواهیم.

خوش باش و شاد زی

ح - ک  
اکتبر ۰۳ - ۲۰۰۳